

امانوئل روبلس

مونسرا

ترجمه‌ی مهدی امینی

www.ketab.ir



نشر و آموزش



انتشارات روشنگران و مطالعات زنان
Roshangaran
& Women Studies Publishing

مونسراً

نمایش نامه در سه پرده

نویسنده: امانوئل روبلس

ترجمه‌ی: مهدی امینی

مدیر هنری: بهزاد خورشیدی

حروفچینی و صفحه‌آرا: سپیده یزدی‌زاده

نوبت چاپ و تاریخ: اول ۱۴۰۱

تیراژ: ۳۰۰ جلد

قیمت: ۷۰۰۰۰ تومان

سرشناسه: روبلس، امانوئل، ۱۹۱۴ - ۱۹۹۵ م.

عنوان و نام پدیدآورنده: مونسرا: نمایشنامه در سه

پرده/ امانوئل، روبلس؛ ترجمه‌ی مهدی امینی.

ناشر: تهران، انتشارات دامون

مشخصات ظاهری ۱۳۰ صفحه، پالتویی

شابک: ۹۶۴-۹۷۸-۲۷۱۴-۵۵۰-۱

موضوع: نمایشنامه قرن ۲۰ م.

رده‌بندی کنگره: PQ ۲۶۱۷

رده‌بندی دیویی: ۸۴۲/۹۱۲

شماره کتابشناسی ملی: ۸۸۶۰۸۹۳

انتشارات دامون

تهران، خ یوسف‌آبادم فرهنگ‌بخ سی‌وسوم، نبش

خ آماج، پ ۲۱، طبقه همکف واحد ۲

تلفن: ۸۷۲۳۶۶۵ - ۸۷۲۳۹۳۶

واتس‌آپ: ۰۹۳۰۶۷۳۲۳۹۷

پخش: ۶۶۹۷۰۱۳۶

واتس‌آپ: ۰۹۰۳۲۷۱۸۶۰۰

ISBN:978-964-2714-55-1

Damoun400@gmail.com

www.roshangaran-pub.ir

[@]Roshangaran-pub



انتشارات
DAMOON Pub

گفتاری از مترجم

نویسنده و آثار او

امانوئل روبلس در چهارم ماه مه ۱۹۱۴ میلادی در شهر اوران^۱ در الجزایر به دنیا آمد. اولین اثر خود را در سال ۱۹۳۸ در شهر الجزیره که قسمت مهمی از عمر خود را در آن گذراند منتشر کرد. روبلس بعداً به پاریس رفت و تا آخر عمر در فرانسه بسر برد. آثار مهم او شامل چند رمان است که مهم‌ترین آنها:

«آتشفشان وزوو»^۲، «دشنه‌ها»^۳، «بلندی‌های شهر»^۴، که در سال ۱۹۴۸ موفق به اخذ جایزه «فمینا»^۵، شد و «این سبیده دم است»^۶، که لویس بونوئل، کارگردان مشهور اسپانیایی از روی آن فیلمی به همین نام ساخت و نویسنده را به شهرت رسانید.

روبلس داستان‌های کوتاه^۷ نیز نوشته است و بالاخره به دنیای تئاتر روی آورد و با نوشتن نمایشنامه‌هایی مانند «مونسرا»، «حقیقت خاموش

1. ORAN

2 Le Vesue

3 Les Couteaux

4 Les Hauteurs de la Ville

5 Femina

6 Cela s'appelle Aurore

7 Nouvelles

است»^۱ و «دفاع از یک یاغی»^۲، خود را به‌عنوان یک نمایشنامه‌نویس موفق نیز شناساند.

مونسراً، در سال ۱۹۴۸ نوشته شده است و تا امروز به بیش از بیست زبان ترجمه و یا اقتباس شده و در اغلب شهرهای بزرگ جهان و در تئاترهای معتبر بازی شده است.

«لئوی آراگون»^۳، شاعر و نویسنده معروف فرانسه در سال ۱۹۵۹ درباره مونسراً نوشت «حتی جنگ الجزایر هم نمی‌تواند اثر عمیقی را که این بیس در من ایجاد کرده است محو کند. بدون این‌که خودم تصمیم بگیرم این بیس منحصر به فرد در تئاتر معاصر دوران ما مونس دائمی در خلوت تنهایی من است».

«آلبر کامو»^۴، نویسنده و فیلسوف فرانسوی نیز می‌نویسد:

«یک بیس بازر و قوی که تحفه سرزمین آفریقا است در نوشتن این بیس از هیچ مکتب یا روش خاصی تقلید نشده است. قساوت‌های وحشتناک، زمان داستان را به‌خوبی توضیح می‌دهد و از این‌که قلب و احساس انسان را در ماجرا داخل سازد کوتاهی نمی‌کند. روح انسان در مقابل تمام فشارها مقاومت می‌کند و از میدان بدر نمی‌رود. روبلس هیچ‌کس را فریب نمی‌دهد و گویی داستان مونسراً در آمریکا نمی‌گذرد و شاید بتوان نمونه آن‌را در جایی در نزدیکی خود ما مثلاً موریتانی در قاره سیاه پیدا کرد».

امانوئل روبلس می‌توانست صحنه داستان خود را در رم قدیم یا در اسپانیای زمان فیلیپ دوم یا در فرانسه زمان اشغال نازی‌ها انتخاب کند. آنچه او را مصمم کرد داستان را به مبارزات استقلال‌طلبانه مردم کشورهای آمریکای جنوبی مربوط سازد این بود که او هم زمان به

1 La ve'zite' est morte در تئاتر کمدی فرانسز به روی صحنه رفته است

2 Plaidoyer Pour un Rebelle

3. Louis Aragon

4. Albert Camus

مطالعه تاریخ جمهوری‌های جوان آمریکای لاتین پرداخته بود و چون در حال وهوای این کشورها سیر می‌کرد طبعاً موضوع پیس خود را به یکی از آنها مربوط ساخت. با وجود این نباید تصور کرد که تمام وقایع داستان مونسراً عیناً با تاریخ حقیقی کشور ونزوئلا تطبیق می‌کند. مؤلف به جای انعکاس تاریخ واقعی سعی کرده است به موضوع پیس خود بُعد جهانی بدهد. با همه این‌ها وحشیگری و خشونت اشغالگران اسپانیا واقعی و باورکردنی است مثلاً مورالس حقیقی از این‌که اسیران خودش را سَفَه کند لذت می‌برده است و «آنتونانزا» نام در پاره کردن شکم زن‌های حامله تخصص داشته است و برای دوستانش صندوقچه‌های محتوی دست‌های قطع شده هدیه می‌کرده است. سرگرمی و تفریح «زوازولا» بیرون آوردن چشم‌های مردم از حدقه به وسیله نوک قلم تراش بوده است و با کشش «کورونیل» توصیه می‌کرده است که باید تمام ونزوئلای‌ها بالاتر از هفت ساله را یک جا کشت.

«میشل وگرا»، مورخ که زندگی «بولیوار» را به رشته تحریر درآورده است می‌نویسد: «تعداد کسانی که باید به قتل می‌رسیدند آنقدر زیاد بود که برای اجرای آن جلاد حرفه‌ای به اندازه کافی پیدا نمی‌شد. افراد ارتش اسپانیا آنقدر شقاوت به خرج می‌دادند که حتی اطرافیان «مونه ورده»، فرمانده کل ارتش اشغالگر اظهار بیزار می‌کردند. با وجود این تنبیه‌یابی‌ها ادامه داشت و هدف این بود که مردم ونزوئلا برای همیشه از انقلاب و تقاضای استقلال منصرف شوند. این قبیل خشونت و کشتارها فقط مخصوص دوران بولیوار نیست از قرن‌ها پیش در گوشه و کنار دنیای ما سفاکی‌ها و ظلم‌ها گلوی انسان‌های بی‌گناه و مبارز را فشرده و فریاد آنها را به آسمان بلند کرده است. زمانی اجساد هواداران اسپارتاکوس در بالای دارها به رقص درآمده‌اند، در قرون

وسطی که به قرن سیاه معروف شده است در دوران تفتیش عقاید بشریت صدها هزار قربانی داد. گروه‌گروه انسان‌های بی‌گناه در آتش سوزانده شدند و در عصری نزدیک‌تر به ما شکنجه‌گاه‌های مدرن و کوره‌های آدم‌سوزی میلیون‌ها انسان دیگر را به کام مرگ کشاند.

باید بپذیریم که روبلس برای نوشتن مونسرا از تاریخ فقط یک انگیزه، یک دکور و یک نوع رنگ‌آمیزی را وام گرفته است.

امانوئل روبلس که عضو آکادمی گنکور، فرانسه بود در ۲۲ فوریه سال ۱۹۹۵ میلادی در سن ۸۵ سالگی در پاریس چشم از جهان فرو بست. در مراسم خاکسپاری او اعضای آکادمی گنکور و جمعی از نویسندگان و دوستان او حضور داشتند و در رسانه‌های همگانی بارها از او تجلیل به عمل آمد.

www.ketab.ir